

آیا عراق به سوی جنگ داخلی دیگری پیش می‌رود؟



بار دیگر آتش و خون بصره را فراگرفت. در دور جدید اعتراضات مردم، به گزارش وزارت بهداشت عراق، تاکنون دست کم ۱۱ نفر کشته، صد نفر زخمی دستگیر شده‌اند. منابع دیگری خبر می‌دهند که تنها در تظاهرات روز جمعه گذشته ۷ تن کشته و ۵۰ تن مجروح شده‌اند. این اعتراضات که از ۱۰ شهریور به کمبود و آلودگی آب آغاز شد، روز جمعه به آتش زدن تعدادی از ادارات دولتی، ایستگاه تلویزیون دولتی، دفاتر احزاب و فرماندهی الحشد الشعبی، دفتر "جنبش ملی الحکما"، حمله به دفتر شورای استان و کنسولگری ایران در بصره انجامید.

در صفحه ۳

جمهوری اسلامی، شناور بر توفان تضادها

هیات حاکمه ایران، این روزهای با مجموعه ای از تضاد و جدال های درونی درگیر است. جدال ها و تعارضاتی که در اغلب ارگان های رژیم به شکل کم سابقه ای سر باز کرده اند، کشمکش هایی که با افشاکاری و نشانه رفتن نهادهای مختلف جمهوری اسلامی علیه یکدیگر، این روزها شدت گرفته و به شکل کم سابقه ای رسانه ای شده اند.

نمونه های رشد و تعمیق این تضاد و تعارض اکنون آشکارتر از آنند که قابل کتمان باشند. حسن روحانی، رئیس جمهوری نظام اسلامی که عضو مجلس خبرگان نیز هست، نشست فصلی این نهاد به اصطلاح "تعیین رهبری" را تحریم و حتی کمترین تمایلی نسبت به دعوت هیات رئیسه مجلس خبرگان برای سخنرانی در این نشست از خود بروز نداد. مصباح یزدی، مجیزگوی افراطی نظام، گویی که تازه از خواب بیدار شده باشد، با گفتن اینکه جمهوری اسلامی "در دنیا به اندازه انگلستان یک دست دوست ندارد"، از تنفر جهانی نسبت به نظام سخن گفت. عیسی کلانتری، رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست، با انتقادی تند و کم سابقه "دخالتهای نظامیان در کشاورزی" را به باد انتقاد گرفت و با اعتراض به اینکه وزارت جهاد کشاورزی در تصمیم گیری هایش عملاً "تحت تاثیر ارگان های نظامی است"، این ارگان ها را به "خرج کردن نادرست بودجه" متهم کرد. جنتی رئیس مجلس خبرگان رهبری، روز سیزدهم شهریور در شروع نشست دو روزه این مجلس در باره "ناکارآمدی دستگاه ها"ی نظام هشدار داد و گفت، "دشمنان می خواهند هزینه ناپسامانی های کشور را به پای رهبر انقلاب بنویسند" و "می خواهند تلقین کنند که در کشور، مجلس و سایر قوا هیچ کاره هستند و مسئولیت ها فقط بر گردن رهبر است"، و نمونه های بسیار دیگری که از هر سو جمهوری اسلامی را از درون به چالش گرفته اند.

البته، نمونه هایی از این دست در دوره های پیشین نیز بسیار بوده اند و هیات حاکمه ایران طی چهار دهه گذشته همواره با اینگونه جدال ها

در صفحه ۲

خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان

در صفحه ۵

هفت تپه، یک پیروزی نسبی و ضرورت آمادگی برای نبردهای بزرگتر

دور اخیر اعتصابات و تجمعات کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه که از ۲۷ مرداد آغاز شده بود پس از ۱۵ روز با پیروزی کارگران این شرکت به پایان رسید. این پیروزی البته آسان بدست نیامد. مبارزه کارگران با موانع متعددی روبرو شد. کارفرما، مدیریت و دولت حامی آن‌ها برای درهم شکستن اعتصاب به شگردها و حربه‌های گوناگونی متوسل شدند. فرماندار و نماینده شوش در مجلس سعی کردند با وعده‌های توخالی کارگران را از ادامه اعتصاب منصرف سازند. استاندار خوزستان از پذیرش خواست کارگران امتناع ورزید. مدیریت و

در صفحه ۸



مزیت های مناطق آزاد و ویژه اقتصادی برای سرمایه‌داران

و

تصویب ایجاد ۸ منطقه آزاد و ۹۸ منطقه ویژه اقتصادی در مجلس اسلامی

در صفحه ۴

دولت بزرگترین برنده سقوط ارزش ریال

سقوط بهمن‌وار ارزش ریال و پی آمد آن افزایش بی‌پای قیمت کالاها و صعود نرخ تورم، واقعیتی است که امروزه همه پیرامون آن سخن می‌گویند. اقتصاددان‌های رژیم اغلب دلیل آن را به بی‌تدبیری کابینه و سیاست‌های غلط آن، یا ناشی از جو روانی و هیاهوی ترامپ و ترس از تحریم‌ها نسبت می‌دهند. گویی

در صفحه ۶

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

جمهوری اسلامی، شناور بر توفان تضادها

و تضادهای درونی مواجه بوده است. آنچه تضادهای درونی جمهوری اسلامی را در این دوره معین برجسته کرده است، سخنان افشاگرانه و جدال برانگیز تعدادی از نمایندگان مجلس در نطق های پیش از دستورشان بوده است. سخنانی در مخالفت با برخی ارگانها و باند های مافیایی آن که تاکنون در صحن علنی مجلس کمتر اتفاق افتاده است.

پروانه سلحشوری و غلامرضا حیدری دو تن از نمایندگان مجلس هستند، که روز سه شنبه سیزدهم شهریور در نطق های کم سابقه ای علنا خامنه ای و سپاه پاسداران را به چالش گرفتند. پروانه سلحشوری، نماینده "اصلاح طلب" و عضو فراکسیون "امید" مجلس، در نطق پیش از دستور مجلس، با انتقاد شدید از وضعیت نابسامان جامعه، از "احکام ناعادلانه قوه قضائیه" سخن گفت، "انحصار صدا و سیما"، "نظارت استصوابی"، "امتیازگیری و بده بستن های نمایندگان مجلس" را به چالش گرفت، "خشونت گسترده اجتماعی" را فریاد زد، "طرح های بیفایده و بی نتیجه مجلس" را به باد انتقاد گرفت و "ورود نیروهای نظامی به عرصه سیاست، اقتصاد و فرهنگ و تداخل فعالیت های فرهنگی و نظامی" را مورد انتقاد قرار داد. این نماینده مجلس، همزمان با درخواست کمک از خامنه ای جهت یافتن راه حل برای "نجات ایران"، خواستار آن شد که نهادهای نظامی [سپاه پاسداران] به پادگان ها برگشته و به وظایف ذاتی خود بپردازند، تا اقتصاد و فرهنگ سامان بگیرد. پروانه سلحشوری در ادامه نطق خود، از این هم فراتر رفت و خواهان باز بینی "قانون اساسی"، "همه پرسی در حوزه سیاست خارجی، نحوه اداره صدا و سیما و نظارت استصوابی شورای نگهبان در انتخابات" شد. او همچنین در صحن علنی مجلس "آزادی زندانیان سیاسی و عفو عمومی برای بازگشت هموطنان" به کشور را خواستار شد.

غلامرضا حیدری، عضو فراکسیون "امید" هم در سخنان خود ضمن تاکید بر اینکه "ساختار کشور باید به صورت شفاف طراحی" شود، گفت: "به هوش باشیم که باندهای مافیایی پشت صحنه موسسات مالی، قاچاق کالا، بدهکاران بزرگ مالی، بازار شدیداً آشفته ارز و سکه، خفه کردن در استخر، ناگهان کلیت نظام را به خفگی نکشاند."

اظهارات این نمایندگان با واکنش تند و تهدید آمیز "اصولگرایان در درون و بیرون مجلس مواجه شد. کیهان خامنه ای، از پروانه سلحشوری به عنوان "خامباجی" یاد کرد و نوشت، اگر نظارت استصوابی نبود، خانم نماینده آنان باید به عنوان برده شیوخ آل سعود، فروخته می شد و جواد کریمی قدوسی از نمایندگان اصولگرای عضو جبهه پایداری و کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز با تاکید بر اینکه نطق های حیدری و پروانه سلحشوری "کپی برداری از اتاق های فکر اروپا است"، آنان را تهدید کرد که "ضربه کاری" خواهند خورد.

به راستی چه اتفاقی در جامعه افتاده است که این

روزها، جمهوری اسلامی با بروز چنین شکاف هایی ژرف از درون مواجهه شده است؟ آنهم در شرایطی که خامنه ای به حمایت از دولت برخاسته و سران سه قوه در تلاش هستند تا با شارلاتانیزم و فریبکاری، تنش های درون نظام را کتمان و یا به حداقل برسانند.

خامنه ای و دیگر مسئولان اصلی نظام، چه خواهند و چه نخواهند، چه بپذیرند و چه نپذیرند، باید بدانند که کشتی سوراخ شده جمهوری اسلامی هم اکنون در امواج پر تلاطم رشد و تعمیق تضادهای درونی نظام گرفتار است. تضادهایی که به تاسی از رشد و ارتقای مبارزات کارگران و زحمتکشان از دی ماه ۹۶ سر باز کرده اند و با گذشت هر روز عمق و گستره بیشتری نیز یافته اند. بسیار طبیعی است که در چنین وضعیتی، نه حرف های وحدت طلبانه خامنه ای گوشه ای شنیدن داشته باشد و نه از دست دولت کاری بر آید.

بر کسی پوشیده نیست که، نارضایتی گسترده موجود در جامعه، فشار مبارزاتی توده ها، فقر و فلاکت حاکم بر توده ها، سقوط بهمن وار ارزش ریال و مهم تر از همه ناتوانی روز افزون دولت اسلامی در پاسخگویی به انبوه معضلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی توده ها، سبب بروز و تشدید تضادهای درونی هیات حاکمه شده است. وقتی نمایندگانی از درون مجلس، این چنین به سیم آخر می زنند و با سخنرانی های خود در صحن علنی مجلس ارتجاع، نظام را فاسد می خوانند، این همه فقط نشانه بهم ریختگی حکومت و نهادهای سیاسی آن است. سخنان این نمایندگان، یادآور سخنان احمد بنی احمد و پزشکیور دو تن از نمایندگان مجلس شورای ملی در واپسین ماه های سقوط رژیم سلطنتی در سال ۵۷ است. نمایندگانی که با نزدیک شدن سقوط رژیم پادشاهی گذشته از تریبون مجلس جملاتی مشابه سخنان پروانه سلحشوری، غلامرضا حیدری را علیه رژیم سلطنتی شاه به کار گرفتند. سخنان نمایندگان کنونی مجلس شورای اسلامی نیز، انعکاسی از عمیق تر شدن بحران سیاسی و رشد و اعتلای توده های در جامعه است. سخنان این دو نماینده در صحن علنی مجلس ارتجاع اسلامی البته، فقط بیانگر تشدید تضاد و تعمیق

شکاف در درون طبقه حاکم نیست. نطق پروانه سلحشوری و حیدری که هر دو از نمایندگان فراکسیون "امید" و وابسته به جناح "اصلاح طلبان" حکومتی هستند، بیانگر ایجاد شکاف و بیان نوعی طغیان در درون جبهه "اصلاحات" نیز هست. شکاف و بحرانی که این روزها، تفکر اصلاح پذیری نظام و به تبع آن "اصلاح طلبان حکومتی" را نیز به اضمحلال و فروپاشی کشانده است. بحرانی که طی روزهای گذشته کربوبی با ارسال نامه به مجلس خبرگان برای پاسخگو کردن خامنه ای، سعی کرد در جبران سکوت سنگین رهبران "اصلاح طلب" حکومتی راهی برای برون رفت از اضمحلال اصلاح طلبی در حکومت بگشاید.

بروز چنین تضادهایی اگر در دوره های گذشته، عمدتاً میان مسئولان و سران سه قوه آشکار می شد که اغلب به جدال با هم بر می خاستند، اکنون این جدال به درون نهادهای حکومتی کشیده شده است. در چنین شرایطی که خامنه ای و سران سه قوه بیش از همه بر وخامت اوضاع کشور واقف اند و از تشدید تضادها و تعارضات باندهای درون حاکمیت هراسان هستند، آنان مدام سعی دارند تا با توصیه های اخلاقی آرامش دروغین را به جامعه تزریق و نهادهای حکومتی را از مخالفت با یکدیگر باز دارند. اما دوران اینگونه توصیه های خامنه ای به سر رسیده و اکنون دیگر راهی برای رساندن کشتی توفان زده جمهوری اسلامی بر ساحل نجات باقی نمانده است. آنهم کشتی سوراخ شده ای که بر امواج رشد و تشدید انواع تضادهای درونی شناور است. تضادهایی که بر بستر مبارزات کارگران و توده های تحت ستم ایران سر باز کرده، رشد و تعمیق یافته و جمهوری اسلامی را به مرز فروپاشی رسانده است.

بدیهی است که رشد این تضادهای درونی، هرگز به تنهایی برای سرنگونی رژیم کافی نیست. تشدید تضادها و کشمکش های درونی هیات حاکمه ایران اگرچه رژیم را تضعیف و شرایط را به نفع توده تغییر می دهد، اما، باید بدانیم و آگاه باشیم که فقط و فقط گسترش اعتراضات، اعتلای همه جانبه مبارزات توده ای، برپائی اعتصابات عمومی سیاسی و قیام مسلحانه توده ای و پیامد آن استقرار یک حکومت شورایی در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی، می تواند اوضاع را به نفع کارگران و زحمتکشان تغییر دهد.



آیا عراق به سوی جنگ داخلی دیگری پیش می‌رود؟

هرچند یکی از سخنگویان کنسولگری ایران گفت، به علت آگاهی از این حمله، کنسولگری قبلاً تخلیه شده و کسی آسیب ندید. همان روز هم نیروهای امنیتی عراق در این شهر ۲ میلیون نفری، مقررات حکومت نظامی را اعلام کردند. تنها کمبود و آلودگی آب و اعلام خطر شیوع وبا از سوی مقامات بهداشتی نیست که عرصه را بر مردم بصره تنگ کرده است. بیکاری، گرانی، قطع مکرر برق در گرمای بالای ۵۰ درجه نیز زندگی روزمره آنان را به جهنم بدل کرده است. پیش از این نیز در تیر ماه مردم این شهر و چندین شهر دیگر از جمله نجف، کربلا، ناصریه و عماره و حتا بغداد، در اعتراض به فقر و بیکاری، کمبود خدمات شهری و فساد به تظاهرات روی آوردند. نخست وزیر عراق، حیدر عبادی، پس از آن که گسیل نیروهای سرکوب دولتی برای مقابله با مردم و کشتن دهها تن و مجروح کردن صدها تن، نتیجه‌ای نداد، سرانجام، به بصره رفت به مردم وعده داد ۳ میلیارد دلار به بهبود خدمات و ایجاد هزاران شغل اختصاص خواهد داد. وعده‌ای که همان زمان نیز مردم باور نکردند.

گذشت بیش از دو ماه از وعده‌ها، مسمومیت ۳۰ هزار تن از مردم بر اثر نوشیدن آب آلوده، در میان اخبار مربوط به صدور نزدیک به ۱۱۲ میلیون بشکه نفت تنها در ماه آگوست و درآمدهای هنگفت ناشی از آن بار دیگر خشم مردم را برانگیخت. مبالغ هنگفتی که پس از کسر سهم عظیم کمپانی‌های روسی و آمریکایی، ۷/۷ میلیارد دلار از آن به خزانه دولت سرازیر شد. اما فساد گسترده رایج در میان سیاستمداران عراق، به روال گذشته، مانع از آن می‌شود که بخشی از این درآمد کلان صرف تأمین نیازهای ابتدایی مردم نظیر آب و برق گردد، چه رسد به بهبود وضعیت زندگی و رفاه و اشتغال مردم بصره و دیگر شهرهای عراق. در حالی که بصره به جز برخورداری از منابع عظیم نفتی، مهم‌ترین بندر عراق و محل صدور نفت و ورود کالاها به کشور و منبع ۹۵ درصد درآمدهای دولت است.

از این‌روست که مردم بصره مدت‌هاست به فساد گسترده در کشورشان اعتراض دارند. اعتراضی که منحصر به بصره و شهرهای جنوبی عراق نیست. برای مثال در سال گذشته حتا در منطقه امن بغداد موسوم به "منطقه سبز" دهها هزار تن به خیابان‌ها آمدند تا به فساد رایج در میان سران دولت و احزاب کشور اعتراض کنند.

اندکی پس از حمله آمریکا و متحدانش به عراق در سال ۲۰۰۳ و سرنگونی رژیم صدام، کمپانی‌های نفتی غول‌پیکر چند ملیتی به عراق هجوم آوردند. آنان با زدوبند با سیاستمداران عراق توانستند به قراردادهای پرسودی دست یابند. هرچند، درآمدهای نفتی یکی از منابع سودهای سرشار کمپانی‌های چند ملیتی است. به جز غارت درآمدهای نفتی، شرکت‌های خارجی، به ویژه شرکت‌های آمریکایی تحت عنوان شرکت‌های مشاوره‌ای، شرکت‌های امنیتی، شرکت‌های بازسازی، شرکت‌های اسلحه‌سازی و غیره بخش دیگری از ثروت مردم عراق را به

تاراج می‌برند. سیاستمداران عراقی نیز برای مشارکت در یغمای این خوان گسترده دست دارند. آنان، جهت کسب و تکیه چند صباحی بیشتر بر اهرم‌های قدرت نه تنها به خدمت سران یکی از کشورهای مرتجع منطقه و امپریالیستی درآمده‌اند بلکه با سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن" به اختلافات مذهبی و قومی و قبیله‌ای دامن می‌زنند. آنچه غم آنان نیست، فقر و فلاکت مردم، بیکاری، تورم، شهرها و روستاهای ویران در پی جنگ‌های ممتد خارجی و داخلی، بی‌خانمانی و آوارگی، عدم امنیت جانی مردم بر اثر بمب‌گذاری‌ها، حملات انتحاری و ترورها، مرگ و مصدومیت صدها هزار تن و بی‌سرپرستی خانوارها، عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و مراکز درمانی و خدمات شهری اولیه از جمله آب و برق و مدرسه است.

در هنگامه‌ای که احزاب و رهبران سیاسی عراق در بغداد سرگرم پارلمان‌بازی هستند و چشم و گوش بر شرایط زندگی مردم بسته‌اند، تاب تحمل مردم به پایان رسیده و در خیابان‌ها خواهان "نان" و "کارب" و "آب" و "برق" و "توقف فساد" و "تفرقه‌افکنی قومی و مذهبی" هستند. سیاستمدارانی که رسوایی و بی‌اعتباری آنان نزد مردم در ماه مه گذشته آشکار گردید. شعار انتخاباتی تمام احزاب و گروه‌های سیاسی پیش از انتخابات، "مقابله با فرقه‌گرایی"، "مخالفت با دخالت دولت‌های خارجی" و "مبارزه با فساد" و شعار اصلی کارزار انتخاباتی عبادی، "بازگشت امنیت" بود. در آن زمان، دولت عراق و گروه‌های شبه‌نظامی به ویژه گروه حشدالشعبی وابسته به جمهوری اسلامی، تصور می‌کردند با شکست نظامی داعش، از حمایت اکثریت مردم برخوردار و اوضاع را در کنترل دارند. تصویری که با اعلام نتیجه انتخابات فروریخت.

انتخابات ماه مه، با شرکت کمتر از ۴۵ درصد از واجدین شرایط، یعنی کمترین نرخ مشارکت پس از سال ۲۰۰۳، برگزار شد. در این انتخابات برای اشغال ۳۲۹ کرسی در پارلمان عراق، هیچ یک از احزاب و ائتلاف‌ها رأی کافی برای تشکیل دولت را کسب نکرد. ائتلاف ساترون، ائتلافی از پیروان مقتدی صدر و حزب کمونیست عراق و چندین حزب و گروه کوچکتر، با ۵۴ کرسی، بالاترین تعداد کرسی‌ها را به خود اختصاص داد. ائتلاف فتح‌المبین به سرکردگی هادی عامری، فرمانده سپاه بدر ۴۸ کرسی و ائتلاف نصر به رهبری حیدر عبادی ۴۲ کرسی را کسب کردند. از آن هنگام تاکنون، احزاب و ائتلاف‌های گوناگون می‌کوشند امتیاز انتخاب نخست‌وزیر و تشکیل کابینه را نصیب خود کنند. شاید یکی از دلایلی که مقتدی صدر و هم‌پیمانانش بیش‌ترین رأی را آوردند، حضور کم رنگ‌تر پیشین آنان در قدرت بوده است. اما کرسی‌های اندکی که نصیب ائتلاف وی شد، بیش از آن که نشانه محبوبیت صدر باشد، نشانه تنفر کمتر مردم از وی و احزاب ائتلافش است.

در سال‌های ۲۰۱۶ - ۲۰۱۵ که صدها هزار نفر با شعار "سکولاریسم، سکولاریسم، نه سنی، نه شیعه" به خیابان‌های بغداد آمدند، عبادی تحت

فشار مردم، وعده اصلاحات، مبارزه با فساد و واگذاری مناصب دولتی به "تکنوکرات‌ها" بی‌طرف را داد. آن زمان صدر از این وعده پشتیبانی کرد. هرچند با وجود عدم اجرای این وعده‌ها، تا همین سال گذشته، ۶ وزارتخانه در دست صدریست‌ها بود با همان فساد رایج در این وزارتخانه‌ها.

وابستگی نوری مالکی و حشدالشعبی به ایران و سپاه پاسداران بر همه مردم عراق روشن است، اما از دیگر وعده‌های صدر در انتخابات، مخالفت با دخالت کشورهای بیگانه بود. گرچه این متحد پیشین ایران، بلافاصله پس از انتخابات جلسه‌ای با شرکت سفیران ترکیه، اردن، عربستان سعودی، سوریه و کویت و بدون حضور سفیر ایران ترتیب داد.

در روزهای گذشته، برت مک‌گورگ فرستاده ویژه ترامپ به بغداد و اربیل سفر کرد تا پشتیبانی کردها و سنی‌ها از ائتلاف عبادی و صدر را که از پشتیبانی آمریکا و کشورهای هم‌پیمان‌اش در منطقه نظیر عربستان برخوردار است، جلب کند. گرچه کردها هنوز جانب هیچ یک از دو ائتلاف بزرگ و اصلی را نگرفته‌اند. ایران نیز در پشتیبانی از ائتلاف عامری و مالکی از هیچ تلاشی دریغ نکرده است حتا تهدید به ممانعت از روی کار آمدن "کمونیست‌ها". عامری، دست‌نشانده ایران در عراق نیز روز جمعه هشدار داد "هر دولت دست‌نشانده آمریکا طی دو ماه سرنگون خواهد شد.

در جنبوهای که صدر با سوءاستفاده از خلاء سازماندهی و رهبری جنبش مردمی می‌کوشد خود را سخنگوی مردم معترض جا زند، حزبی که خود را "حزب کمونیست عراق" می‌نامد، تصمیم گرفته به جای ایستادن در کنار مردم و سازماندهی اعتراضات و بسیج توده‌ای برای برکناری سیاستمداران فاسد و کاستن از قدرت و نفوذ گروه‌های شبه‌نظامی و مبارزه برای کسب مطالبات مردم، با نیروهای مذهبی ارتجاعی همچون صدر ائتلاف کند تا سهمی از قدرت بگیرد. انتخابی مهلک چرا که دور از انتظار نیست در صورت قدرت‌گیری صدر و هم‌دستانش، حتا این حزب زرد، رسواتر از پیش، از قدرت بیرون رانده شود.

در روزهای اخیر، دو رقیب بزرگ، یعنی "الإصلاح و الإعمار" (ائتلاف عبادی و مقتدی صدر) و ائتلاف "البناء" (هادی عامری و مالکی) مدعی کسب اکثریت لازم شده‌اند، اما طبق اخبار تاکنونی، از آنجایی که ادعاها هنوز به اثبات نرسیده‌اند، قرار است "دادگاه اتحادیه" بالاترین مرجع قضایی در عراق در این باره قضاوت کند. شامگاه شنبه نیز از قول منابع نزدیک به عبادی گفته شد که وی تا چند روز دیگر برای کسب موافقت دولت ترامپ با تشکیل دولت اضطراری به واشنگتن می‌رود. هر چند سخنگویان دو ائتلاف "ساترون" و "اتحاد فتح" پس از اعتراضات اخیر بصره خواهان کنارگیری وی شده‌اند.

گرچه هر یک از ائتلاف‌ها هم که بتواند پست نخست‌وزیری و زمام تشکیل کابینه را به دست گیرد، در وضعیت مردم تفاوتی ایجاد نمی‌کند. هم عامری و هم حکیم پیش از انتخابات اعلام کرده بودند، با آن که با لیست‌های جداگانه‌ای در

مزیت‌های مناطق آزاد و ویژه اقتصادی برای سرمایه‌داران

و

تصویب ایجاد ۸ منطقه آزاد و ۹۸ منطقه ویژه اقتصادی در مجلس اسلامی

پس از دو سال و دو ماه، در جلسه ۱۱ شهریور مجلس اسلامی لایحه افزایش ۸ منطقه آزاد تجاری - صنعتی، گسترش محدوده ۳ منطقه آزاد تجاری - صنعتی و ایجاد ۱۲ منطقه ویژه اقتصادی به تصویب رسید. جالب آن‌که نمایندگان مجلس با افزودن ۸۶ منطقه ویژه اقتصادی به لایحه دولت، تعداد مناطق ویژه اقتصادی تصویب شده را به ۹۸ منطقه رساندند. این در حالیست که پیش از این مجلس نهم دو بار با رد لایحه کابینه روحانی (بار دوم ۵ بهمن ۹۴) با افزایش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی مخالفت کرده بود.

بعد از پایان جنگ و با روی کار آمدن کابینه‌ی هاشمی رفسنجانی، اجرای سیاست‌های نئولیبرالی در عرصه اقتصادی با سرعتی زیاد در دستور کار جمهوری اسلامی قرار گرفت. در همین راستا در تیرماه ۱۹ "قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی" (۶۸ تا ۷۲) تصویب شد تا حداکثر در سه نقطه از نقاط مرزی کشور، مناطق آزاد تجاری - صنعتی تاسیس شود. در همین راستا سه منطقه آزاد تجاری - صنعتی کیش، قشم و چابهار تاسیس شدند. در ۱۱ خرداد ۱۳۸۴ (آخرین ماه‌های ریاست جمهوری خاتمی) نیز قانون ایجاد مناطق ویژه اقتصادی در مجلس اسلامی به تصویب رسید.

از آن زمان تا امروز تعداد مناطق آزاد به ۷ و مناطق ویژه به ۶۵ منطقه رسیده است. اگرچه از ۶۵ منطقه ویژه اقتصادی مصوب تنها ۲۳ منطقه ویژه راه‌اندازی شده، با این وجود مجلس دهم ایجاد ۸ منطقه آزاد تجاری - صنعتی و ۹۸ منطقه ویژه اقتصادی جدید را به تصویب رساند. عدم استقبال از مناطق ویژه اقتصادی مورد نظر مقامات جمهوری اسلامی بویژه از سوی سرمایه‌گذاران خارجی - به‌رغم مزیت‌های فراوانی که برای سرمایه‌داران دارد - علل متعددی دارد که از جمله می‌توان به بحران در سیاست خارجی جمهوری اسلامی اشاره کرد. در رابطه با سرمایه‌داران داخلی نیز عوامل متعددی نقش دارند که از ساختار مناسبات سرمایه‌داری ایران و تأثیر درآمدهای نفتی در چاق شدن بخش تجاری و سودهای هنگفت در این بخش، بحران و عدم ثبات سیاسی، تداوم بحران اقتصادی رکود - تورمی و... می‌توان نام برد.

به دلیل همین ساختار معیوب است که مناطق آزاد تجاری - صنعتی موجود نه به مکانی برای گسترش صادرات و تولید کالا - آن‌چنان که در اغلب کشورهای دیگر ایجاد شد - بلکه به محلی برای ورود کالاهای وارداتی به داخل کشور تبدیل گردیدند. براساس آمار دولتی در سال ۸۸ واردات از مناطق آزاد ۱۰ برابر صادرات بود. در سال ۹۲ از مناطق آزاد در برابر ۱۳۲ میلیون دلار صادرات، ۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار کالا وارد کشور شد و این جدا از میزان کالاهاییست که به صورت قاچاق از این مناطق به کشور وارد می‌شوند.

اما جدا از این معضلات و موانع، مزیت‌های مناطق آزاد و ویژه اقتصادی برای سرمایه‌داران چیست و چرا جمهوری اسلامی در فکر گسترش این مناطق است؟!

سرمایه‌داران در مناطق آزاد تجاری - صنعتی از معافیت مالیاتی ۲۰ ساله برخوردارند، عدم اجرای قانون کار، معافیت گمرکی، انتقال پول بدون هرگونه محدودیت، رفت و آمد بدون اخذ ویزا از دیگر مزایای این مناطق هستند. مناطق ویژه البته از معافیت مالیاتی و ویزا برخوردار نیستند. براساس قانون مناطق ویژه (همچون مناطق آزاد)، کالاهای تولید شده در این مناطق برای ورود به داخل کشور، تنها به میزانی حقوق گمرکی پرداخت می‌کنند که قطعات خارجی در کالا مصرف شده باشد. بدین ترتیب سرمایه‌داران با زدوبند با مقامات دولتی، و پرداخت مبلغی ناچیز تحت عنوان حقوق گمرکی کالاهای خود را که اغلب مونتاژ کالاهای ساخته شده می‌باشد وارد کشور کرده و سود هنگفتی بدست می‌آورند. همان‌طور که در بالا آمد، جدا از معافیت مالیاتی و گمرکی، یکی دیگر از مزایای مناطق آزاد و ویژه عدم اجرای قانون کار است و دقیقاً به همین دلیل شرایط کاری در این مناطق بسیار سخت و طاقت‌فرسا می‌باشد که در این رابطه از منطقه ویژه عسلویه می‌توان نام برد^(۱). به‌رغم اهمیت فراوان منطقه ویژه عسلویه برای جمهوری اسلامی، و به‌رغم سودهای کلان و رانتهی که در این بخش نصیب سرمایه‌داران می‌شود، کارگران عسلویه اما به بیرحمانه‌ترین شکلی استثمار می‌شوند.

جدا از شرایط زندگی در عسلویه و نبود امکانات غذایی و بهداشتی مناسب برای کارگران که بارها موجب رشد بیماری‌های و آلودگی شده و یا مسمومیت غذایی کارگران را به همراه آورده است، با رشد شرکت‌های پیمانکاری، وضعیت کارگران عسلویه روز به روز بدتر گردید، به نحوی که بویژه برای کارگران مهاجر هم اکنون کار در عسلویه و پذیرش شرایط سخت آن‌جا تنها برای فرار از بیکاری است.

کارگران عسلویه در تابستان که دمای هوا گاه به ۶۰ درجه و رطوبت هوا نیز به بالای ۹۰ درصد می‌رسد، روزانه ۱۲ ساعت کار می‌کنند. کارگران پیمانی که امروز بخش عمده کارگران شاغل در عسلویه هستند، در ازای این کار و شرایط سخت آب و هوایی به‌طور متوسط ماهانه کمتر از یک میلیون و پانصد هزار تومان درآمد دارند. کارگران فنی البته حداکثر تا ۵۰ درصد بیشتر از کارگران ساده دستمزد می‌گیرند. پیش از این و در ابتدای راه‌اندازی منطقه ویژه عسلویه، شرایط کاری در آن‌جا این‌گونه بود که کارگران ۱۴ روز کار می‌کردند و ۱۴ روز به مرخصی می‌رفتند اما با در دست گرفتن کارها توسط شرکت‌های پیمانی، کارگران ۲۰ روز و روزانه ۱۲ ساعت کار می‌کنند و ده روز به مرخصی می‌روند و از آنجایی که شرکت‌های پیمانی اغلب هزینه رفت‌وآمد کارگران به محل سکونت آن‌ها را پرداخت نمی‌کنند، کارگران

مجبورند با هزینه شخصی و اتوبوس مسافرت کنند که گاه دو تا سه روز رفت و آمد کارگران طول کشیده و در نتیجه تنها یک هفته در کنار خانواده هستند. حتا برخی از کارگران به دلیل دستمزد پایین و هزینه‌ی بالای سفر، ماه‌ها بدون دیدار با خانواده در عسلویه می‌مانند.

در واقع اگر ساعات کار کارگران در عسلویه را در نظر بگیریم، کارگران عسلویه به‌رغم شرایط کاری سخت از نمونه ارزان‌ترین نیروهای کار ایران هستند. یکی دیگر از معضلات کار در منطقه ویژه عسلویه، عدم رعایت مسائل ایمنی در محیط کار است که بارها منجر به بروز حادثه و جان باختن کارگران شده است. بیماری‌های ناشی از شرایط کاری، از دیگر معضلات این کارگران است، کارگرانی که در این منطقه کار می‌کنند همچنین دچار مشکلات ریوی، تنفسی، عصبی و گوارشی می‌شوند.

کارگران این منطقه مانند دیگر کارگران ایران، با مشکل عدم پرداخت دستمزد نیز روبرو هستند و جالب آن‌که به دلیل سهولت قوانین کار و باز بودن دست کارفرمایان در قراردادهای کاری، سه سال پیش پیمانکاران و کارفرمایان بندهایی به قراردادهای اضافه کردند که دست آن‌ها را برای اخراج کارگران به هر بهانه‌ای باز می‌کرد. براساس این قراردادهای حتا کارفرمایان می‌توانستند بدون تسویه حساب کارگر را اخراج کنند. در این قراردادهای شرکت در اعتراضات کارگری ممنوع و در غیر این صورت کارفرما می‌توانست بدون پرداخت دستمزد کارگر را اخراج کند.

در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر نیز در پی اوج‌گیری اعتصابات کارگری در سال ۹۴، دادگستری کل استان خوزستان با صدور اطلاعیه‌ای هرگونه اعتراض کارگری در این منطقه را ممنوع اعلام کرده بود، هر چند که کارگران هرگز توجهی به این اطلاعیه نکردند. در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر نیز که سرمایه‌داران جدا از سودهای هنگفت از رانت بزرگی برخوردارند^(۲)، کارگران از وضعیت مشابهی برخوردارند. بویژه تلاش رژیم برای گسترش فعالیت شرکت‌های پیمانی و خصوصی‌سازی باعث شده است تا هم اکنون اکثریت کارگران منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر را نیز امروز کارگران پیمانی تشکیل دهند^(۳). در مجموع براساس آمارهای دولتی ۲۶۵ هزار نفر در مناطق آزاد و ۱۷۶ هزار نفر در مناطق ویژه اقتصادی مشغول به کار هستند که حدود ۴ درصد شاغلین کشور را شامل می‌شود.

اما جدا از امتیازاتی که سرمایه‌داران در مناطق آزاد و ویژه از آن برخوردارند و در بالا به آن‌ها اشاره گردید، چرا لایحه‌ای که پیش از این دو بار در مجلس اسلامی رد شده بود، این بار نه تنها تصویب شد، بلکه ۸۶ منطقه ویژه اقتصادی نیز به آن اضافه گردید؟

جمهوری اسلامی با توجه به بحران عمیق اقتصادی و بازگشت تحریم‌ها، همان‌طور که تلاش دارد تا با ارزان فروختن نفت و حتا حمل مجانی آن و بیمه بار، مشتری‌های نفتی خود را حفظ کند، تلاش دارد تا با ایجاد و گسترش این مناطق، سرمایه‌داران از جمله سرمایه‌داران داخلی و کشورهای هم‌جوار را با دادن امتیازاتی

آیا عراق به سوی جنگ داخلی دیگری پیش می‌رود؟

انتخابات شرکت می‌کنند، اما برای ائتلاف پس از انتخابات آماده‌اند. به بیانی دیگر می‌گفتند: "فرقی نمی‌کند به چه کسی رأی دهید در نهایت همه دست به دست هم می‌دهیم و غنایم را بین خود تقسیم می‌کنیم."

اکنون که عراق با بحران سیاسی و ناتوانی در تشکیل کابینه روبروست، دولت با وعده و تهدید و سرکوب به مقابله با مردم ناراضی پرداخته است. او آنان را "نفوذی" می‌خواند و دستور برقراری مقررات حکومت نظامی را صادر کرده است. از روش‌های دیگری نظیر رشوه‌دهی به شیوخ قبایل و باندهای گانگستری و گرسنگی دادن نیز برای راندن مردم به خانه بهره می‌گیرد. آنچه اوضاع عراق را خطرناک‌تر می‌کند، تنها رقابت سیاسی و پشتیبانی مالی و سیاسی کشورهای خارجی از یکی از ائتلاف‌ها یا احزاب و گروه‌های سیاسی عراق نیست، بلکه گروه‌های مسلح نظامی و شبه‌نظامی‌ای است که با حمایت‌های مالی و تدارکاتی این کشورها شکل گرفته‌اند و گوش به فرمان‌اند تا برای حفظ منافع ارباب و خود، کشور را به آتش کشند. هم‌اکنون نیز خبرهایی از درگیری‌های پراکنده بین نیروهای شبه‌نظامی منتشر می‌شود.

روز شنبه ۱۷ شهریور، یک حمله موشکی به فرودگاه بصره، محل استقرار کنسولگری آمریکا و حمله موشکی دیگری به "منطقه سبز" و محل استقرار سفارت آمریکا در بغداد انجام شد. با آن که عوامل این موشک‌پراکنی‌ها هنوز ناشناخته‌اند، اما گفته می‌شود موشک‌های بغداد از سوی محله "جمیله" در شرق بغداد شلیک شده‌اند که نیروهای شبه‌نظامی شیعه در آن حضور دارند. قیس خزعلی، سخنگوی "عصائب‌الحق"، از نیروهای شبه‌نظامی وابسته به ایران نیز پس از حمله به کنسولگری ایران در بصره، گفته بود: "هر عملی، عکس‌العملی دارد."

در چنین اوضاعی، وقایع پارلمان عراق و منطقه سبز چندان سرنوشت‌ساز نیستند، بلکه آینده عراق در عرصه‌های دیگری ست که رقم می‌خورد. مردم عراق اکنون با دو سناریوی احتمالی روبرویند.

در سناریوی اول، بازیگران اصلی مردم هستند که در یک انفجار اجتماعی و نارضایتی سراسری، به خیابان‌ها می‌آیند و با سازماندهی و مبارزات متحدانه حاکمان کنونی را سرنگون می‌کنند، شبه‌نظامیان وابسته را وادار به خلع سلاح و هزیمت می‌کنند و با به دست گرفتن سرنوشت خود، به مطالبات خود جامه تحقق می‌بخشند.

در سناریوی دوم، با استمرار کشاکش‌های بین احزاب و شبه‌نظامیان وابسته به دولت‌های اشغال‌گر و هژمونی‌طلب غربی و منطقه‌ای، عراق به سوی جنگ داخلی دیگر و تباهی و ویرانی و مصیبت بیشتر برای مردم سوق داده می‌شود.

مزیت‌های مناطق آزاد و ویژه اقتصادی برای سرمایه‌داران

و

تصویب ایجاد ۸ منطقه آزاد و ۹۸ منطقه ویژه اقتصادی در مجلس اسلامی

زیاد به این مناطق جذب کند. در عین‌حال با تبلیغات عوامفریبانه‌ای از سوی مقامات دولتی روبرو هستیم که گویا ایجاد این مناطق در شهرها و استان‌هایی که بیکاری بیداد می‌کند، می‌تواند معضل بیکاری را کاهش دهد. اما همان‌طور که منطقه آزاد اروند تأثیری در بیکاری گسترده‌ی جوانان آبادان و خرمشهر نداشت^(۴) و همان‌طور که منطقه آزاد چابهار تأثیری در فقر گسترده و بیکاری ستم‌دیدگان و زحمتکشان بلوچ نداشت، در این مناطق نیز تأثیری نخواهند داشت. تنها نتیجه‌ی این سیاست‌ها بی‌حقوقی هر چه بیشتر کارگران، و ثروتمندتر شدن سرمایه‌داران است.

پی‌نوشت:

۱ - در سال ۷۳ کابینه‌ی رفسنجانی قانونی با عنوان "مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تامین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی" تصویب کرد که در واقع قانون کار این مناطق می‌باشد، قانونی که بسیار بهتر از قانون کار جمهوری اسلامی است. اگرچه حتا همین قوانین ضد کارگری هم در آنجایی که نیم‌نگاهی به حقوق کارگران دارد نه در قانون کار جمهوری اسلامی و نه در مقررات تعیین شده در مناطق آزاد و ویژه رعایت نمی‌شود. اکبر ترکان مشاور روحانی و دبیر پیشین شورای عالی مناطق آزاد سال ۹۵ در گفتگو با تلویزیون جمهوری اسلامی از عدم اجرای قانون کار در مناطق آزاد و ویژه به عنوان یکی از مزایای این مناطق برای سرمایه‌داران نام برده بود.

۲ - تنها رانتی که بابت مابه‌تفاوت قیمت گاز خوراکی پتروشیمی‌ها نصیب صاحبان این کارخانه‌ها می‌شود سالانه بالغ بر ۷ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود.

۳ - در مجموع ۷۰ هزار نفر از شاغلان در صنعت پتروشیمی کارگران پیمانی هستند که در بخش‌های تولیدی کار می‌کنند.

۴ - در روزهای گذشته مردم آبادان در اعتراض به کمبود و گران شدن کالا در این شهر دست به اعتراض زدند. با کاهش ارزش ریال، از عراق خانواده‌های زیادی به منطقه آزاد اروند (بدون ویزا) برای خریدهای روزانه‌شان می‌آیند. این هم یکی دیگر از نتایج مناطق آزاد برای مردم.

خلاصه ای از اطلاعاتی های سازمان

روزشنبه هفدهم شهریور ماه سازمان فدائیان (اقلیت) اطلاعاتی ای با عنوان "یورش چنایتکارانه به مقر حزب دموکرات کردستان و اعدام سه فعال سیاسی کرد را قویاً محکوم می‌کنیم" انتشار داد. در این اطلاعیه چنین می‌خوانیم:

"صبح امروز شنبه ۱۷ شهریور، رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی طی یک رشته عملیات نظامی هوایی و موشکی، مقر حزب دموکرات کردستان در شهر کوی سنجق واقع در اقلیم کردستان عراق را به نحو وحشیانه ای مورد حمله قرار داد. در حالی که دست کم شش موشک زمین به زمین به مقر حزب دمکرات کردستان شلیک شد، هواپیمای بدون سرنشین پهباد جمهوری اسلامی نیز مقر حزب را گلوله باران کرد.

در این حملات سبعانه ده ها تن کشته و زخمی شده اند. تعداد زیادی از کشته شدگان و زخمی ها اعضاء و پیشمرگه های حزب دموکرات هستند. یورش رژیم تجاوزگر جمهوری اسلامی زمانی صورت گرفت که کمیته مرکزی این حزب در حال برگزاری پلنوم بود... همزمان با این اقدامات چنایتکارانه، رژیم تروریست جمهوری اسلامی صبح امروز سه زندانی سیاسی کرد، زانیار مرادی، لقمان مرادی و رامین حسین پناهی را پس از ماه ها شکنجه به جوخه اعدام سپرد."

در ادامه اطلاعیه ضمن اشاره به توپ باران مناطق مرزی کردستان ایران و عراق چنین آمده است "رژیم جمهوری اسلامی که مدت هاست به سراسرییی سقوط افتاده هر چقدر به پایان عمر خود نزدیک تر شده، بر اقدامات سرکوبگرانه خود نیز افزوده است. ارتجاع حاکم که غرق در بحران های داخلی و خارجی است و ناتوانی آن برای برون رفت از بحران و بن بست بر همگان آشکار شده است، یگانه راه نجات خود را تشدید سرکوب و کشتار میداند. اما سرکوب و کشتار و بیرحمی نیز رژیم را از خطر سقوط حتمی نجات خواهد داد. رژیمی که از همه سو به محاصره کارگران، زحمتکشان، بیکاران، زنان، جوانان و عموم توده های تهدیدست شهری و روستایی در آمده است هیچ راه نجاتی ندارد."

در پایان، اطلاعیه، سازمان یورش چنایتکارانه رژیم به مقر حزب دموکرات کردستان واقع در اقلیم کردستان عراق و توپ باران مناطق مرزی کردستان، همچنین اعدام سه زندانی سیاسی کرد، زانیار مرادی، لقمان مرادی و رامین حسین پناهی را به شدت محکوم نموده و همه کارگران، زحمتکشان و مبارزان آزادیخواه را به تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی فرا خوانده است.



دولت بزرگترین برنده سقوط ارزش ریال

که اتفاق اقتصادی به این بزرگی، رابطه‌ای با بحران عمیق اقتصادی جامعه ایران ندارد، بلکه اگر سیاست ارزی کابینه به شکل دیگری پیش می‌رفت و اگر قرار نبود دو ماه دیگر تحریم نفتی پیش آید، اوضاع اقتصادی سیمای دیگری داشت. در حالی که سرمنشأ آن در بحران عمیق و ساختار اقتصادی سرمایه‌داری ایران قرار دارد که جمهوری اسلامی هرگز قادر به حل آن نبوده و نخواهد بود. فراموش نکنیم که ماجرا چندان هم جدید نیست. در اواخر دوره زمامداری احمدی‌نژاد بود که با عمیق‌تر شدن بحران، بهای دلار سه برابر شد و از ۱۱۰۰ تومان در سال ۸۹ به ۳۸۶۰ تومان در ۹۱ رسید. وقتی که اقتصاد با رکود مواجه است و در همان حال هرگونه رابطه قانونمند میان اسکناس در جریان و تولید داخلی از میان رفته باشد و حجم نقدینگی حتی از حجم تولید ناخالص داخلی نیز فراتر رفته باشد بی‌ارزشی پول باید خود را به شکل یک بحران، نشان دهد و نشان داد.

این اتفاق رخ داده است. اما یک نکته در این میان پوشیده مانده است. با سقوط ارزش ریال تمام تحلیل‌هایی که اقتصاددان‌های رژیم ارائه می‌دهند این است که در جریان این سقوط همه زیان‌دیده و بازنده شده‌اند. اما در اقتصاد سرمایه‌داری، بازنده و برنده مطلق وجود ندارد. اگر درجایی زیان هست، در جای دیگری سود قرار دارد. اگر کسی زیان می‌بیند، دیگری سود می‌برد. این دو وجه متضاد، به هم وابسته‌اند و رابطه متقابلی میان آن‌ها وجود دارد. این دو قطب مدام جا عوض می‌کنند.

این حقیقت بر همگان آشکار است آن‌هایی که بیش از همه در نتیجه کاهش ارزش ریال متضرر شده و بازنده اصلی‌اند، توده‌های کارگر و زحمتکشی هستند که دستمزد و حقوقشان در همین چند ماه اخیر، بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته و باید برخی کالاها را به دو تا سه برابر بهای قبلی بخرند. در عین حال پس‌اندازهای بخش‌هایی از زحمتکشان و خردبوروژوازی یا به اصطلاح اقلتاری نیز نصف و حتی دوسوم ارزش خود را از دست داده است. در نتیجه، آن‌ها هم زیان‌دیده و در محدوده ای فقیر شده‌اند.

حال سوال این است که آیا برنده‌ای هم در این میان وجود داشته و دارد یا نه؟ آیا کسانی هستند که از این اوضاع وخیمی که شاهد آن هستیم سود ببرند؟ آنچه به فوریت به ذهن متبادر می‌شود، بورس بازاری هستند که در خریدوفروش ارز فعال‌اند و از این بابت سود می‌برند. بورس بازان، قماربازان حرفه‌ای بازارهای مالی هستند که نبض اقتصاد کشور را در دست دارند. پیشاپیش اوضاع اقتصادی را تحلیل می‌کنند و در عین حال زد و بندهایی با مقامات و نهادهای مالی و اقتصادی دولتی دارند و پیشاپیش از تصمیمات دولتی و نهادهای اقتصادی و مالی آگاه می‌شوند. بنابراین، کمتر پیش می‌آید که آن‌ها در خریدوفروش اوراق بهادار و ارزها دچار زیان و ضرر جدی شوند و اغلب سودهای هنگفت به جیب می‌زنند. لاقط گروهی از اینان که مبالغ کلانی نقدینگی را در دست دارند، با

خریدوفروش ارز در این چند ماه اخیر و به‌ویژه در چند هفته اخیر نه فقط کاهش ارزش نقدینگی خود را جبران کردند، بلکه از بازار آشفته ارز و کاهش ارزش ریال سود نیز برده‌اند.

سرمایه‌داران صنعتی و بازرگانی که از طریق زد و بند با مقامات دولتی، میلیاردها دلار کالا با ارز ارزان در انبارهای خود ذخیره کرده‌اند، گروه دیگری هستند که از این اوضاع سود برده‌اند. اما این‌ها تنها برندگان در جریان سقوط ارزش ریال نیستند، برنده‌ای بزرگتر از همه آن‌ها نیز وجود دارد که در هیچ‌یک از تحلیل‌هایی که اقتصاددان‌های رژیم و مطبوعات آن ارائه می‌دهند، رد پائی از آن دیده نمی‌شود. این بزرگترین برنده، دولت است که بیشترین سود و بهره را از کاهش ارزش ریال برده است.

کمترین سودی که عاید دولت در این مدت شده است، صاف کردن ۶۲۰ تا ۷۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه سال جاری است.

در بودجه سال جاری بهای دلار ۳۵۰۰ تومان تعیین شد. دولت باید برای تأمین برخی مخارج خود، دلار را به قیمت روز بفروشد و مخارج خود را جبران کند. اما اکنون فروش دلار به قیمت بازار بیش از سه برابر آن چیزی است که در بودجه تعیین گردید. بنابراین تا همین حالا، مبالغ بسیار کلانی عاید دولت شده که نه فقط این کسری را پوشانده بلکه ده‌ها میلیارد تومان اضافی به بار آورده است.

روزنامه تعادل از قول یک اقتصاددان رژیم اشاره می‌کند که بودجه سال ۹۷ با کسری ۳۰ تا ۷۰ هزار میلیارد تومان بسته شد، در ضمن دولت اکنون با مابه‌التفاوت ارز ۳۲۰۰ یا ۴۲۰۰ با ارز سامانه نیما یا آزاد روبه‌رو است که یک درآمد حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومانی نصیب دولت می‌کند.

هنگامی که ارزش پول یک کشور کاهش می‌یابد، بستانکاران زیان می‌بینند و بدهکاران از این کاهش ارزش پول نفع می‌برند.

واقعیتی است که به‌رغم درآمدهای هنگفت رژیم از نفت، جمهوری اسلامی از نظر مالی یک دولت ورشکسته و بدهکار است، تا جایی که حتی دستمزد کارگران و حقوق کارمندان خود را با تأخیر پرداخت می‌کند. در طول سال‌های گذشته، مدام بر حجم قروض و بدهی دولت به بانک‌ها و بخش خصوصی افزود شده است. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی میزان بدهی دولت و شرکت‌های دولتی تا پایان خرداد ۱۳۹۶ را حدود ۶۲۵ هزار میلیارد تومان اعلام کرد. منابع دیگر این حجم بدهی را تا پایان سال گذشته ۷۰۰ هزار میلیارد برآورد کرده‌اند. بر سر همین بدهکاری است که در پی کاهش ارزش ریال، دولت بیشترین سود را برده است. اما چگونه؟

در اواخر سال گذشته هر یک میلیارد تومان بدهی دولت با نرخ دلار ۵ هزار تومانی معادل ۲۰۰ هزار دلار بود، اکنون این رقم با نرخ دلار ۱۳ هزار تومانی به حدود ۷۷ هزار دلار کاهش یافته است. یعنی در نتیجه کاهش ارزش ریال، در هر میلیارد تومان بدهی، ۱۲۳ هزار دلار به نفع دولت شده است. نتیجتاً هر یک

میلیارد تومان بدهی به کمتر از ۳۰۰ میلیون تومان کاهش یافته است. با این حساب، اکنون بدهی دولت در یک‌چشم به هم زدن فرضاً از ۶۰۰ هزار میلیارد تومان به رقمی کمی بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومان کاهش یافته است.

در بودجه سال جاری ۱۱۰ هزار میلیارد تومان برای پرداخت بدهی‌های دولت پیش‌بینی شده است. با کاهش ارزش ریال این مبلغ دیگر برای طلبکار و بدهکار مبلغ ۱۱۰ هزار میلیارد تومان نیست، بلکه در واقع مبلغی حدود ۴۵ هزار میلیارد تومان است. لذا دولت به‌عنوان بدهکار ۶۵ هزار میلیارد تومان کمتر می‌پردازد و بستانکار به همین میزان ضرر کرده است ولو این‌که اسما هنوز بر روی کاغذ، مبلغ ۱۱۰ هزار میلیارد باشد.

یا مبلغ ۳۵ هزار میلیارد تومانی که دولت امسال باید بابت اصل و بهره سررسید اوراق مشارکت بپردازد، دیگر برای طلبکاران معادل ۳۵ هزار میلیارد نیست، بلکه کمی بیش از ۱۲ هزار میلیارد است. گرچه دولت اسما بر روی کاغذ همان ۳۵ هزار میلیارد را می‌پردازد، اما اکنون این پرداخت به‌طور واقعی ارزشی معادل ۱۲ هزار میلیارد تومان دارد و نه ۳۵ هزار میلیارد تومان.

البته دولت تنها از بابت موارد ذکر شده در بالا نیست که سود برده است، بلکه این کاهش بهای ریال در خدمت سیاست‌های دولت به‌ویژه با توجه به تحریم‌ها نیز قرار گرفته است.

در دوره زمامداری روحانی حجم نقدینگی به میزان بی‌سابقه‌ای رشد کرده و از یک و نیم تریلیون نیز فراتر رفته است. اکنون اما با کاهش ارزش ریال، لاقط بیش از نیمی از حجم نقدینگی کاسته شد و بخشی از آن نیز که پیش‌از این در بانک‌ها سپرده شده بود، عمدتاً به طلا و دلار تبدیل گردید.

تا آن حد که این نقدینگی در دست توده‌های وسیع مردم قرار داشت، از بین رفتن آن در جریان کاهش ارزش ریال به معنای کاهش قدرت خرید مردم است که این هم در خدمت سیاست ریاضت اقتصادی رژیم برای مقابله با تحریم‌ها قرار می‌گیرد.

بی‌دلیل نیست در حالی که دستمزد کارگران در چند ماهی که از سال جاری می‌گذرد بیش از نیمی از ارزش خود را از دست داده است، کابینه روحانی شدیداً با افزایش دستمزد و حقوق کارگران و کارمندان مخالفت نشان می‌دهد. چون اساس سیاست کنونی دولت کاهش قدرت خرید و سیاست ریاضت اقتصادی است.

کابینه روحانی حتی با طرح دوفوریتی تأمین کالاهای اساسی برای توده‌های مردمی که زیر فشار شدید ناشی از کاهش ارزش ریال قرار گرفته‌اند نیز شدیداً مخالفت کرد و این طرح در مجلس رد شد. آنچه نوبخت نماینده دولت در برابر آن قرارداد، وعده ۵ بسته معیشتی و جیرمبندی مواد غذایی بود.

بنابراین پاسخ این سؤال مردم ایران که می‌گویند دولت سقوط روزمره ارزش ریال و وخامت روزافزون وضعیت معیشتی کارگران و زحمتکشان را می‌بیند، چرا کاری نمی‌کند، روشن است. جمهوری اسلامی از سقوط به‌من‌وار ارزش ریال و آشفتگی بازار ارز، سود کلانی عاید خود کرده است.

هفتتپه، یک پیروزی نسبی و ضرورت آمادگی برای نبردهای بزرگتر

مبارزات کارگران جوانه زده و ارتباطهای مستقیم و گسترده و تنگاتنگی با کارگران در بخش‌های مختلف شرکت دارد، در بسیج کارگران و هدایت و راهبری اعتصاب نقش مهمی ایفا کرد.

به گفته اسماعیل بخشی یکی از نمایندگان کارگران هفتتپه، از حدود ۱۴ بخش کشت و صنعت نیشکر هفتتپه ۲۲ نفر و از میان آن‌ها ۹ نفر به عنوان یک هیئت‌مدیره انتخاب شده‌اند که فعالیت شورای مستقل کارگری هفتتپه را پیش می‌برند. ابتکار عمل کارگران و ایجاد شورای مستقل کارگری که مثل توپ صدا کرد و چون ستاره‌ای پرفروغ در آسمان جنبش کارگری درخشید، سرآغاز نوینی را در تشکلیابی کارگران کلید زد و از این نظر حائز اهمیت بسیار زیادی است. شورای مستقل کارگری، الگوی مناسبی است که به همت کارگران پیشرو و آگاه در کارخانه‌ها و شرکت‌های مشابه می‌تواند ایجاد شوند. این شوراهای نه فقط می‌توانند سازمانده و پیش‌برنده مبارزات لحظه فعلی و پی‌گیر خواست‌های کنونی و روزمره کارگران باشند، بلکه با اعتلا و گسترش بیشتر جنبش طبقه کارگر، از پس وظایف جدیدی که بی‌شک بسط و تعمیق مبارزه طبقاتی بردوش طبقه کارگر قرار خواهد داد نیز برمی‌آیند. شوراهای مناسب‌ترین شکل تشکل برای اعمال حاکمیت مستقیم کارگران در مقیاس تمام کشور است و بقول کارگر هفتتپه "هفتتپه نمادی کوچک از ایران است!"

هفتتپه نشان داد که تنها با مبارزه متحد و متشکل است که می‌توان سرمایه‌داران و رژیم سیاسی آن‌ها را عقب راند! در برابر کارگرانی که بطور متشکل و یکپارچه به اعتصاب روی آوردند، در برابر اتحاد و همبستگی کارگران و در برابر پیوند و یگانگی میان نمایندگان و توده کارگران، کارفرما و مدیریت و دولت حامی آن‌ها، راه دیگری جز عقب‌نشینی نداشتند و به برگزاری جلسه با نمایندگان کارگران در روز نهم شهریور تن‌دادند. سندی‌کای کارگران نیشکر هفتتپه نیز همان روز با صدور اطلاعیه‌ای تحت عنوان "اتحاد و همبستگی ما کارگران تنها تضمین پیروزی مبارزات هفتتپه است" به روشنی به صفتی مرکب از کارفرما و مدیریت و حراست و نیروهای دولتی و امنیتی و انتظامی که در مقابل کارگران هفتتپه ایستاده‌اند اشاره نمود و نوشت "در مقابل این صف ضدکارگری تنها می‌توان با اتحاد، یگانگی و همبستگی کارگری مقاومت کرد. در مقابل این صف سرمایه‌داران و زمین‌خواران و مدافعین آن‌ها تنها می‌توانیم بر نیروی متحد خودمان و بر تشکلات مستقل و نمایندگان منتخب‌مان تکیه کنیم. در مقابل صف مدافعین کارفرما تنها می‌توانیم به صف کارگران متحد و متشکل اتکا کنیم."

شایان ذکر است که تلاش کارفرما و مدیریت و عمال آن‌ها در راستای جداسازی کارگران از سندی‌کای، ایجاد دوستگی در میان اعضای سندی‌کای یا هیئت‌مدیره آن، اخیراً به تلاش برای ایجاد

اختلاف میان نمایندگان کارگران در شورای مستقل کارگران و نیز ایجاد اختلاف میان آن‌ها با فعالان سندی‌کای نیز تعمیم یافته‌است. سندی‌کای کارگران نیشکر هفتتپه در اطلاعیه خود تلاش کارفرما و عناصر دست‌نشانده مدیریت برای مرعوب‌ساختن ویا رخنه در صفوف کارگران را افشا نمود و نوشت، اجازه ندهیم عوامل کارفرما، عناصر دست‌نشانده مدیریت در صفوف کارگران رخنه کنند، ما را خسته و کلافه و مرعوب سازند و به اتحاد ما ضربه وارد کنند. سندی‌کای کارگران نیشکر هفتتپه در پایان اطلاعیه خود بار دیگر بر اتحاد کارگران تاکید نموده و خطاب به آن‌ها، چنین نوشت "از سندی‌کای و شورای نمایندگان منتخب کارگران در این اعتصاب حمایت کنیم و یکپارچه تا دست‌یابی به مطالباتمان به این مبارزه ادامه دهیم. نتیجه فوری این اعتصاب هرچه باشد بادمان نرود که با اتحاد و همدلی، تشکل مستقل و خرد جمعی قادر خواهیم شد به پیروزی نهایی برسیم"

اعتصاب متحدانه کارگران هفتتپه، استمرار مبارزه تحت هدایت فعالان سندی‌کای این شرکت و نمایندگان کارگران در شورای مستقل کارگری، سرانجام منجر به برگزاری جلسه‌ای در استانداری خوزستان شد. این جلسه با حضور نمایندگان کارگران، معاونت عالی اقتصاد استاندار، اعضای شورای تامین شوش و کارفرمای شرکت که حدود پنج ساعت به درازا کشید، مقرر شد؛ کلیه حقوق‌های عقب‌افتاده پرسنل شرکت از ۱۲ تا ۱۵ شهریور پرداخت شود، نیروی پیمانکاری حذف و با تمام پرسنل شرکت اعم از پیمانکاری و روزمزد طبق قانون کار، قرارداد یک ساله منعقد شود. تمام مسوولیت اجرایی و تصمیمات شرکت به مهندس مددی واگذار شود. حضور مدیران ضدکارگر، سیامک افشار، مهرداد رستمی چگنی و ایوب اسدی در هفتتپه ممنوع و هیچ فعالیتی و سمتی در هفتتپه نداشته باشند. تمام پرسنل اخراجی از جمله پرسنل دفع‌آفات و خوراک دام به سرکار بازگردند. کلیه واحدهای تفکیک‌شده شرکت از جمله تاکستان، کارخانه خوراک دام و مزارع ۹۰۰، ۸۰۰، ۷۰۰ یکپارچه زیر نظر شرکت کشت و صنعت نیشکر هفتتپه باقی بمانند و اعلام شد که فعالیت شرکت‌های نوظهور، شرکت باغ جاوید پارس و شرکت دریای زئوس غیرقانونی است.

پذیرش مجموعه این خواست‌ها، اگرچه تضمین کافی پشت آن نیست، اما درهرحال چیزی جز پیروزی کارگران هفتتپه نیست و البته فقط پیروزی کارگران هفتتپه نیست، پیروزی کل کارگران ایران و پیروزی طبقه کارگر ایران است. چراکه هیچ‌کس نمی‌تواند مانع اثرگذاری اعتصاب کارگران هفتتپه و مبارزات نمایندگان و شورا و سندی‌کای این کارگران بر کل کارگران و بر جنبش کارگری ایران شود. این پیروزی اگرچه درهرحال یک پیروزی نسبی است، اما درس‌ها، تجارب و آموزه‌های آن کل جنبش کارگری را دربرخواهد گرفت.

کمک های مالی

کانادا- ونکوور

دمکراسی شورایی ۱ ۵۰ یورو
دمکراسی شورایی ۲ ۵۰ یورو
دمکراسی شورایی ۳ ۵۰ یورو

سوئیس

علی‌اکبر صفایی فراهانی ۳۰ فرانک
سیامک اسدیان (اسکندر) ۴۰ فرانک
حمید اشرف ۳۰ فرانک
محمد کاسه‌چی ۵۰ فرانک
امیر نبوی ۵۰ فرانک

دانمارک

هوشنگ احمدی ۲۰۰ کرون
دکتر نریمیس ۲۰۰ کرون
خروش (سپتامبر) ۲۰۰ کرون

سوئد

زندانی سیاسی آزاد باید گردد ۲۰۰ کرون

هلند

داوود مدائن ۱۰۰ یورو

نکته بسیار مهمی که نباید آن را فراموش کرد این واقعیت است که کارفرما و دولت حامی آن، درحین عقب‌نشینی، برای تهاجم و حمله بعدی نقشه می‌کشند و به سرعت قول‌وقرارها و وعده‌های خود را زیر پا می‌گذارند. کارگران مبارز هفتتپه دست‌کم در طول یک دهه مبارزه بویژه در دوره سه ساله‌ای که این شرکت به بخش خصوصی واگذار شده، بارها و بارها از نزدیک شاهد وعده‌های تکراری اما توخالی و عدم پایبندی به قول‌وقرارها از طرف کارفرما و حامیان دولتی آن بوده‌اند و شناخت کافی از آن‌ها بدست آورده‌اند. از این رو این احتمال به هیچ وجه ضعیف نیست که کارفرما با پذیرش بخشی از خواست‌ها و پرداخت قسمتی از طلب کارگران و حقوق‌های عقب‌افتاده، به همان روال قبلی ولو در شکلی پوشیده‌تر و پیچیده‌تر بازگردد. لذا موفقیت و پیروزی اخیر و نسبی کارگران هفتتپه، هنوز پایان ماجرا نیست. بنابراین باید اعتصابات بعدی را تدارک دید. باید برای اعتصابات بزرگتر، برای مبارزات حادث و نبردهای سنگین‌تر آماده شد.

با این همه، هفتتپه یک موضوع بسیار مهم را اثبات کرد و نشان داد که اعتصاب حتا در یک واحد، اگر متشکل و یکپارچه باشد، اگر کارگران متحد و همبسته باشند و اگر تشکل مستقل و نمایندگان کارگران آن را سازماندهی و هدایت کنند، می‌تواند قرین پیروزی گردد ولو این پیروزی نسبی باشد.

درس بزرگ اعتصاب اخیر کارگران مبارز هفتتپه در یک جمله چنین است: اتحاد و همبستگی کارگری، تشکل مستقل و مبارزه متشکل، ضامن پیروزی است.

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

Gironummer 2492097

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

IBAN:
NL08INGB0002492097
BIC: INGBNL2A
Amsterdam, Holland

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization

Of Fadaian (Aghaliyat)
No 789 September 2018

هفت‌تپه، یک پیروزی نسبی و ضرورت آمادگی برای نبردهای بزرگ‌تر

کارگران پیشرو در جمع اعتصاب‌کنندگان، همراه با استمرار اعتراض متشکل و حمایت یکپارچه‌ای که توده کارگران از نمایندگان خود به عمل آوردند، راه را بر تمام تلاش‌ها و ترفندهای صاف مقابل برای درهم شکستن اعتصاب مسدود ساخت.

بی‌توجهی و بی‌اعتنایی اولیه کارفرما، مدیریت و دولت به اعتصاب و خواست‌های کارگران، تهدیدهای مکرر و اعمال فشارهای گوناگون علیه فعالان اعتصاب و استفاده از تاکتیک‌های گوناگون برای خسته‌کردن و فرسوده ساختن کارگران، هیچ‌کدام نتوانست در عزم و اراده کارگران به ادامه اعتصاب خللی وارد سازد. همه چیز حاکی از آن بود که قدرت اتحاد، ظرفیت و توانایی کارگران در اعتصاب و برای ادامه آن، نسبت به دوره‌های گذشته تقویت شده است. علاوه بر سندیکای مبارز کارگران نیشکر هفت‌تپه، اکنون شورای مستقل کارگری که از دل

در صفحه ۷

کارفرما و عوامل ریز و درشت آن‌ها حتی یک لحظه از تلاش و توطئه برای ایجاد نفاق و دودستگی در میان کارگران بازنیستادند. نمایندگان کارگران به بازداشت و زندان تهدید شدند. کارگران هفت‌تپه در بطن مبارزه طبقاتی بار دیگر به تجربه درمی‌یافتند که طرف حساب آن‌ها فقط کارفرما و مدیریت و حراست شرکت نیست، بلکه فرماندار، استاندار، نیروهای انتظامی و امنیتی و در واقع بلوکی از سرمایه‌داران و حافظان نظم سرمایه‌داری، در برابر آن‌ها صف‌آرایی کرده‌اند. کارگران اعتصابی و مبارز هفت‌تپه، می‌دیدند و می‌دانستند که نمی‌توانند گام کوچکی به سمت پیروزی و تحقق مطالبات خود بردارند، مگر آنکه متحد و متشکل، در صفی واحد و چون تتی واحد به مصاف با صف مقابل بروند. اجتماعات متعدد، بحث‌ها، مشورت‌ها، همفکری‌ها و گفتگوهای جمعی کارگران و سخنرانی‌های شورانگیز و آگاهی‌بخش اسماعیل بخشی و برخی دیگر از



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

shora.tv@gmail.com

بدینوسیله به اطلاع علاقمندان تلویزیون دمکراسی شورایی می‌رسانیم که:

برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی روی شبکه ۲۴ ساعته تلویزیون "دیدگاه" از اول ژوئن ۲۰۱۷ برابر با ۱۱ خرداد ۱۳۹۶ به جای ماهواره هانتبرد مجدداً از ماهواره یاست پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

ماهواره یاه سات Satellite Yahsat

فرکانس ۱۱۷۶۶ Frequency

عمودی Polarization Vertical

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ Symbol rate

اف ای سی ۵ / ۶ FEC

ساعت پخش برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی:

چهارشنبه‌ها ساعت نه و نیم شب به وقت ایران

(ساعت ده صبح به وقت لس آنجلس و هفت عصر به وقت اروپای مرکزی)

بازپخش این برنامه: روز پنجشنبه نه و نیم صبح به وقت ایران

(ده شب پنجشنبه به وقت لس آنجلس و هفت صبح پنجشنبه به وقت اروپای مرکزی)

اینترنت:

در صورت عدم دسترسی به تلویزیون ماهواره ای، می‌توانید از طریق اینترنت نیز برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را مشاهده کنید.

۱- بطور زنده در ساعات ذکر شده، در سایت تلویزیون دیدگاه و شبکه رسانه ای "جی. ال. ویز"

www.didgah.tv

www.glwiz.com

۲- به صورت آرشیو، در سایت سازمان فدائیان - اقلیت:

<http://www.fadaian-aghaliyat.org/>

<https://tvshora.com/>

ساعت و زمان برنامه را به خاطر بسپارید و به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

توجه: بینندگان عزیز تلویزیون دمکراسی شورایی جهت اطلاع؛ سالی دو بار - در پائیز و بهار - بطور ناهم‌زمان در ایران، اروپا و آمریکای شمالی ساعات تغییر می‌کنند که البته هر بار پس از چند هفته، ساعات این سه منطقه یکسان می‌شوند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی